

فصل سوم

ویژگی‌های فرهنگی استان مرکزی





درس ۹ آداب و رسوم مردم استان

فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها و اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد و در قبال آن جامعه تعهداتی به عهده دارد.

مردم استان مرکزی با تکیه بر عناصر فرهنگ شامل ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و آداب و رسوم سعی کرده‌اند از یک سو با انتقال فرهنگ به نسل جدید، موجب تقویت هویت ملی و محلی خود شوند و از سوی دیگر در ارتباط با فرهنگ‌های دیگر و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، سعی در بازسازی و تغییر فرهنگ خود کنند. فرهنگ عامه مردم که جنبه شفاهی آن بر جنبه مکتوبش غالب است، سینه به سینه نقل می‌شود و به آیندگان منتقل می‌گردد. در مبحث فرهنگ استان به باورهای عامیانه، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، شیوه غذا خوردن و لباس پوشیدن و برگزاری مراسم‌ها پرداخته می‌شود.

فعالیت ۳-۱

به نظر شما آشنایی با آداب و رسوم محلی زندگی‌مان چه ضرورتی دارد؟

زبان و گویش‌های محلی

زبان رایج در استان مرکزی، فارسی است؛ اما مردم در برخی جاها به گویش‌های دری، ترکی، تاتی و خلجی صحبت می‌کنند. زبان ارمنی و بازمانده زبان راجی نیز هنوز در برخی نقاط وجود دارد و در میان گویش‌های رایج در استان، گویش‌های لری، ارمنی و خلجی و در پاره‌ای نقاط ترکی در پیوند با گروه‌های قومی خارج از استان وجود دارند.

در جنوب شرقی استان یعنی محلات و دلیجان، به گویشی صحبت می‌شود که مردم محلی آن را «راجی» یا «رایجی» می‌نامند. گستره رواج این گویش، دهستان‌های جاسب، اردهال، کهک قم و شهرهای نراق و کاشان را در بر می‌گیرد و از سوی تانطنز و اصفهان کشیده می‌شود. گویش تاتی نیز در روستاهای آمره، کهک و شاهواروق تفرش رواج داشته است و اکنون نیز در روستاهای وفس، فرک، گورچان و چهره قان شهرستان کمیجان به این گویش تکلم می‌کنند.

در بخش عمده‌ای از مناطق غربی و جنوبی استان، در مرز لرستان، به گویش لری با لهجه‌های «لری» و «لکی» گفت و گو می‌شود که دامنه آن تا شهرستان خمین و اراک کشیده شده است.

زبان ترکی محلی در دهستان رودبار تفرش و قسمتی از روستاهای شهرستان‌های فراهان، خنداب، کمیجان، شازند، اراک،

ویژگی‌های فرهنگی استان

ساوه و زرنديه رواج دارد.

«خلجی» گویش مردم خلجستان قم است اما در بعضی از روستاهای آشتیان و تفرش با آن گفت و گو می‌شود. در پاره‌ای از روستاهای شازند، خرقان و ساوه که ارمنی‌نشین‌اند و نیز در بخشی از شهر اراک که تا چند دهه قبل ارمنی‌نشین بوده، به زبان ارمنی صحبت می‌کنند.

افسانه‌ها و مثل‌ها

فرهنگ و ادب عامه سرشار از افسانه‌ها، قصه‌ها و مثل‌هایی است که ممکن است در تاریخ رسمی ضبط نشده باشند؛ اما در میان قصه‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها و مثل‌ها به صورت آهنگین از بزرگ‌ترها برای کودکان و نوجوانان نقل شده‌اند و موضوعات اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را در بر می‌گیرند.

در گذشته در بیشتر شهرها و روستاها به دلیل محدودیت زبان نوشتاری و کتابت، زبان گفتاری و شفاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و مردم این دیار سعی کرده‌اند که بخش عمده‌ای از فرهنگ و ادب عامه را در قالب حکایت‌ها، افسانه‌ها و مثل‌ها به نسل‌های بعدی منتقل کنند. بیشتر افسانه‌ها و حکایت‌ها ریشه‌های مشابه دارند؛ اما با کمی تفاوت در نقاط مختلف استان نقل می‌شده‌اند. از جمله افسانه کچل و بازرگان، کلاغ و یخ، گربه و پلنگ و آدمیزاد، قوز بالا قوز، عاقبت مرد طمعکار، نیکی کن و به دریا بینداز و ...

ضرب المثل‌ها و کنایه‌ها

ضرب المثل‌ها بخش مهمی از فرهنگ مردم‌اند که در برگرفته تجربه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. گرچه ضرب المثل‌ها جملات کوتاه و مختصری هستند، اما در آن‌ها نکات آموزنده‌ای است که به مخاطب انتقال می‌یابد. شاید محتوای بیشتر ضرب المثل‌ها با هم شباهت داشته باشند، ولی برحسب موقعیت جغرافیایی و فرهنگی مردم، واژگان آن‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند.

بیشتر بدانیم



در زیر به تعدادی از این ضرب المثل‌ها با لهجه و گویش محلی اشاره می‌شود.
— موش با امانیه کاری نداره، امانیه خودش خپش خپش می‌کُنه. (تفرش)
منظور فردی که خودش، خودش را لو می‌دهد و یا تازه عروسی است که اصل و نسبش را فراموش کرده و تفاخر می‌کند.

— وُورَآن اوْغُلان دایی یا باخماز (ترکی محلی) (پسر بزن، منتظر دایی‌اش نمی‌ماند).
اشاره به فرد کاری است که منتظر کسی نمی‌ماند.



— او که می‌ره به روخونه خویش بخوره بهتر از بیگانه. (خمین)
 آبی که به رودخانه میره آشنا بخورد بهتر است تا بیگانه بخورد.
 — آش نخورده و دُن (دهن) سُوخْتِه. (اراک)
 اشاره به کسی است که کاری را نکرده است؛ ولی باید پاسخ‌گوش باشد.
 — تا گوساله گو بشه دلِ صاحبش او می‌شه. (تا گوساله گاو شود دل صاحبش آب می‌شود). (اراک)
 جگرها خون شود تا یک پسر مثل پدر گردد.
 — چیزی که شده پاره، و صلیه و رّ نمی‌داره.
 دلی که جریحه‌دار شد، التیام نمی‌پذیرد.
 — از دُمبِ خودم می‌گذرم؛ این وصلّت را نمی‌خواهم. (دلیجان)
 جلوی ضرر را از هر کجا که بگیری، فایده است.
 — یه سال بخور نون و تره و صد سال بخور نون و گره.
 یک سال کمی سختی بکش تا نتیجه بهتر و بیشتری دریافت کنی.
 — رت جو و خوشار بو؛ اما رت آقانی خوشانوبو. (وفسی)
 جای خوب خوب می‌شود اما آسیب حرف التیام نمی‌یابد.
 — از دولتی گندم تلخه او و امی خوره. (ساوه)
 به واسطه شخص یا اشخاص موجه، زبردستان نیز بهره می‌برند.
 — گمبذ بزرگ کامبار کایه. (ساوه)
 گنبد بزرگ انباره کاه است. این ضرب‌المثل درباره کسی گفته می‌شود که هیكل تنومندی دارد، ولی از عقل و فهم عاری است.

فعالیت ۲-۳



چند نمونه از ضرب‌المثل‌هایی را که در محل زندگی شما رایج‌اند، تهیه کنید و با گویش یا لهجه محلی به کلاس ارائه دهید.

بیشتر بدانیم



بعضی از واژه‌ها و اصطلاحات محلی در استان مرکزی:
 اِسل = جایی گود که آب در آن انباشته می‌شود.
 اِپسه = حالا، اکنون

ویژگی‌های فرهنگی استان

بَجّی = فرار کن
پازگینه = نزدبان، راه پله
پسنا = نوبت که بیشتر با گی همراه است. گی و پسنا
قآق = نفر آخر
ناسور = زخمی که به وسیله سرما بدتر شده باشد، جراحی که به سختی درمان شود.
هنوشه = نفس نفس زدن

فعالیت ۳-۳

الف) معنی واژه‌های زیر را با کمک بزرگ‌ترها پیدا کنید.

اَوَّجَّجْ =	خَتَلْ =
پِلَاسْ =	رُولَهْ =
جَغِلَهْ =	شُوجَرَهْ =
جُتْلِيْ =	قَبْرَاقْ =

ب) چند مورد از واژه‌ها و اصطلاحات محلی را جمع‌آوری و معنا کنید و آن‌ها را برای هم کلاسی‌هایتان بخوانید.

بیشتر بدانیم

ترانه‌ها

یکی از فواید ضبط و ثبت ترانه‌ها حفظ ذخیره‌ای از آهنگ‌های کهن برای تقویت موسیقی علمی و ملی جامعه است. ترانه‌های عامیانه حاکی از عادات اخلاقی ملت‌ها و اقوام مختلف بوده و باعث ازدیاد، تحریک و تهییج فکری و روحی انسان می‌شوند. یکی از ترانه‌های معروف، مشکه زنی است که در روستاهای کمره (شهرستان خمین) خوانده می‌شود؛ بخشی از این ترانه چنین است:

مشکه مشکه سالاری	کرا (کره) بده به باری
امسال کرا گرانه	به نرخ زعفرانه



مشکه جانم کرا کن	یک من به سنگ شا کن
مشکه جانم غیرت کن	سنگ شا را قیمت کن
نمونه دیگر ترانه قالی بافی است که در تفرش و فراهان خوانده می شود.	
سر دار بست بشینم روزگاری	دو تا قالی بیافم یادگاری
دو تا قالی صد رنگ	بیافم با دل تنگ

لالایی‌ها

در مناطق مختلف استان مرکزی، لالایی‌ها و دو بیتی‌های محلی به طور خودجوش توسط زنان و مردان با ذوق در وزن‌های ساده سروده شده است.

نمونه‌ای از لالایی‌ها :

لا لا لا خوابت کنم من	علی گوید که صد سالت کنم من
لا لا لا بخواب مادر	عزیز من بخواب مادر
لا لا لا گل فندق	بابات رفته توی صندوق
لا لا لا گل خشخاش	باباش رفته خدا همراهش

برات بیاره کمی فندق

بازی‌های محلی

بازی‌های محلی در نقاط مختلف استان از دو جهت قابل توجه است؛ یکی از این جهت که نسبت به بازی‌های جدید الکترونیکی از شادابی و طراوت بیشتری برخوردارند و دیگر این که علاوه بر معرفی بخشی از فرهنگ عامه مردم، مهارت‌های اجتماعی را نیز در کودکان و نوجوانان تقویت می‌کنند. هر چند زندگی شهرنشینی و صنعتی امروزی امکان بعضی از بازی‌ها و سرگرمی‌های سودمند را از میان برده است ولی هنوز تعدادی از بازی‌ها در بعضی نقاط اجرا می‌شوند؛ برای مثال : قایم موشک بازی، کوشک ملاق (معلق)، دوز بازی، الک دو لک، یک قل دو قل، کلاه ببرک، گرگم به هوا، تخم مرغ بازی در عید، چوب بازی در عروسی و

فعالیت ۳-۴



– شما نیز سعی کنید با کمک و راهنمایی بزرگ‌ترها در مورد یکی از بازی‌های محلی رایج در محل زندگی خود تحقیق کنید و آن را به کلاس ارائه دهید.

آیین‌ها و آداب و رسوم مردم

الف - آیین‌ها و آداب و رسوم مذهبی؛

ب - آیین‌ها و آداب و رسوم بومی و سنتی.

الف - دین و باورهای مذهبی

قبل از حمله اعراب به ایران مردم این استان همانند سایر ایرانیان، دین زردشتی داشته و یکتاپرست بوده‌اند. وجود آتشکده‌های بزرگ، از قبیل آتشکده آتشکوه نیمور، وره در آشتیان، آتشکده خوره در محلات، آتشکده فردقان در کمیجان و آتشکده‌های دیگر در شهرهای این استان دلیل بر این مدعا هستند. اما بعد از ورود اسلام به ایران، مردم به این دین الهی روی آوردند و هم اکنون بیش از ۹۹ درصد جمعیت استان را مسلمانان با مذهب شیعه اثنی عشری تشکیل می‌دهند. چند دهم درصد از جمعیت شهرستان‌های اراک و شازند را مسیحیان ارمنی (گریگوری) تشکیل می‌دهند. چند دهم درصد از جمعیت استان نیز پیرو ادیان دیگرند. در این قسمت به برخی از باورهای مذهبی و مراسم مذهبی اشاره می‌شود.

خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی: در بعضی از نقاط استان خورشید گرفتگی را کار اژدها می‌پنداشتند و در گذشته همزمان با خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی بر ظروف مس و طبل‌ها می‌کوبیدند تا اژدها به وحشت افتد و چشمه نور را رها سازد.

مراسم نخل گردانی: روز عاشورای حسینی در محله‌های تفرش، مراسم نخل گردانی برگزار می‌شود. افراد مسن و پیش‌کسوت‌های محله نخل را تزئین می‌کنند و هر یک از اعضای طایفه ساکن محله، زیر یکی از تیرهای نخل را می‌گیرند و پیشاپیش هیئت‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به حرکت در می‌آیند و مردم نذورات خود را به کسی که جلوی نخل حرکت می‌کند، می‌دهند. در داخل اتاقک نخل تعزیه‌خوانی می‌نشینند و روضه و نوحه سیدالشهدا (ع) را می‌خوانند. البته شبیه این مراسم در شهرهای خمین، نراق، بعضی از روستاهای منطقه فراهان و دیگر نقاط استان نیز انجام می‌گیرد.



شکل ۱-۳- مراسم نخل گردانی



فعالیت ۳-۵ ✓

چند نمونه از آیین‌ها و مراسم مذهبی و محلی را که در منطقه شما برگزار می‌شوند، ذکر کنید و در مورد یکی از آن‌ها تحقیق کنید.

بیشتر بدانیم



ب- آیین‌ها و آداب و رسوم بومی و سنتی

مراسم بیل گردانی: از حدود نیمه اسفند هر سال، کشاورزان اهالی شهر نیمور و باقرآباد محلات برای لایروبی رودخانه بزرگ نیمور یا شاه جوی به صورت دسته جمعی و مطابق زمین خود اقدام می‌کنند. بعد از پایان عملیات لایروبی همگی در کنار سد نیمور که از سدهای قدیمی و تاریخی استان است، جمع می‌شوند. این لایروبی ممکن است چند روز طول بکشد. هنگامی که بعد از لایروبی آب به پخشگاه (محل توزیع آب) می‌رسد، مردم جشن می‌گیرند و به شیوه ورزش‌های پهلوانی اقدام به گرداندن بیل‌ها می‌کنند. بدین طریق که ۴ بیل را در یک دسته و ۳ بیل را در دسته‌ای دیگر به هم می‌بندند و افراد آن‌ها را برمی‌دارند و به دور سر خود می‌چرخانند. اگر بیل‌ها به هم نخورد، برنده است و مردم او را تشویق می‌کنند.



شکل ۳-۳- بیل گردانی در نیمور



شکل ۳-۲- همکاری روستاییان خمین در لایروبی قنوات

جشن کوسه ناقلدی (ناقالدی): در روستاهای استان مرکزی ۴ روز پس از سپری شدن زمستان و ۵ روز باقی مانده به نوروز، جشن کوسه برگزار می‌شود که بسیار دیدنی است. در این مراسم تعدادی از چوپانان و جوانان و نوجوانان در نقش داماد (کوسه)، عروس با پوشیدن لباس‌ها و کلاه‌هایی از پوست و بستن زنگوله‌هایی به خود به در خانه‌ها رفته و شعر معروف «ناقالدی گنده گنده، چهل رفته پنجاه مانده» را خوانده و پایکوبی می‌کردند. اگر صاحب‌خانه

ویژگی‌های فرهنگی استان

انعام و نیاز کوسه را کمی دیر می‌آورد، کوسه غش می‌کرده و از آنجا که غش کردن کوسه را بدیمن می‌دانستند به محض آمدن کوسه، تنقلات، خوراکی و پول برای کوسه می‌آوردند. این رسم که به لحاظ ریشه‌های تاریخی در شمار نمایش‌های آیینی آورده می‌شود، به نام‌های کوسه‌گری در نفرش، کوسه کوسه در ساوه، کوسه گلدی در روستاهای شاهسون نشین و نقاط ترک نشین، ناقالدی در اراک و مانند این‌هاست و با تفاوت‌هایی در سایر مناطق ایران نیز وجود داشته است. جشن کوسه ناقلدی یادآور جشن سده (از جشن‌های ایران باستان) است که مردم با پشت سر گذاشتن سرمای شدید زمستان، نوید فرا رسیدن نوروز را جشن می‌گرفتند.

مراسم ازدواج: انجام تشریفات و رعایت آداب و رسوم ازدواج در استان مرکزی از زیبایی‌ها و جذابیت‌های خاص خود برخوردار است. خواستگاری توسط واسطه‌ای از سوی خانواده داماد، نشست خانواده عروس و داماد و فامیل‌های نزدیک برای خرج بری، بله برون و تعیین مهریه، برگزاری مجلس عقد، حنابندان، عروس برون (بردن عروس)، مراسم پا انداز جلوی عروس، شام شب سوم (داماد سلام)، دعوت شب هفتم، برگزاری پاتختی و پا گشا برای عروس و داماد از جمله مراسم هستند که با رعایت تمام آداب و رسوم سنتی از سوی خانواده عروس و داماد انجام می‌شوند.

مراسم شب چله: شب اول زمستان را شب چله می‌گویند. در این شب خانواده‌های فامیل عروس و داماد به خانه بزرگ‌ترها می‌روند و در آنجا بعد از خوردن شام، انواع میوه و شیرینی صرف می‌کنند و تا نیمه‌های شب شعر، قصه و هم‌چنین دیوان حافظ و شاهنامه می‌خوانند. در این شب هفت نوع خوراکی و تنقلات از جمله کدوی پخته، هندوانه، قاووت و باسلق می‌خورند. خانواده‌های داماد که دختری را به نامزدی پسرشان انتخاب کرده‌اند، هدیه‌ای برای او می‌فرستند که به آن شب چله‌ای می‌گویند. در اکثر روستاها در شب چله گوسفندی را که در فصل تابستان و پاییز پرواری کرده‌اند، ذبح کرده و برای مصرف میهمان به عنوان شام می‌پزند.



شکل ۴-۳- مراسم شب چله

مراسم چهارشنبه سوری و عید نوروز: در آخرین شب چهارشنبه سال مردم استان مرکزی هنگام غروب آفتاب آتش روشن می‌کنند و با گفتن جملاتی مثل «زردی من از تو، سرخی تو از من، غم برو، شادی بیا، نکبت برو، شادی بیا، محنت برو، روزی بیا، سیاه برو، قرمز بیا» از روی آتش می‌پرند و شادی می‌کنند.



همچنین هنگام تحویل سال جدید، همه اعضای خانواده اطراف هفت سین می‌نشینند و دعا و قرآن می‌خوانند تا سال جدید شروع شود. بعد از تحویل سال اعضای خانواده دست پدر و مادر را می‌بوسند و پدر به تمامی اعضای خانواده، تخم مرغ، جوراب و مقداری پول عیدی می‌دهد و شروع به خوردن شیرینی و تنقلات داخل سفره می‌کنند.



شکل ۳-۶- مراسم نوروز در شهر



شکل ۳-۵- مراسم آب پاشان در فراهان

مراسم هدیه دادن به مناسبت‌های خاص، مثل خرید منزل، اتومبیل و سایر وسایل خانه نیز در مناطق مختلف استان به فراخور وضعیت مالی افراد برگزار می‌شود که از آن با عنوان سرمنزلی یا سرماشینی و... یاد می‌شود. جشنواره انار در ساوه، جشنواره انگور در هزاوه، جشنواره گل محلات و مراسم جشن درو (اول تابستان) در فراهان از مراسمی است که هر ساله برگزار می‌شود.



شکل ۳-۸- جشنواره گل در محلات - تابستان ۱۳۸۹



شکل ۳-۷- جشنواره انار در ساوه

فعالیت ۳-۶



- در مورد مراسم تعزیه خوانی، پرده خوانی و نقالی تحقیق کنید.

نوع پوشش سنتی مردم استان مرکزی

نوع پوشش و چگونگی آن متأثر از فرهنگ هر جامعه‌ای است؛ گرچه بخشی از آن نیز تابعی از شرایط اقلیمی و آب و هوایی است. به عنوان مثال نوع پوشش نقاط سرد و کوهستانی استان با نقاط هموار و دشت متفاوت است. در حال حاضر نیز نوع پوشش نقاط روستایی بیشتر جنبه سنتی دارد و پوشش در نقاط شهری تحت تأثیر شرایط رسمی و اداری تغییر یافته است.

تا سه یا چهار دهه قبل پوشاک بیشتر نقاط استان به ویژه روستاها عمدتاً محلی بوده و تهیه و دوخت آن‌ها در محل زندگی افراد صورت می‌گرفته است اما در سال‌های اخیر گسترش ارتباطات و شهرنشینی باعث تحول در نوع پوشش مردم استان شده است.

به‌طور کلی می‌توان نوع پوشش سنتی مردم استان مرکزی در گذشته را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف - سرپوش زنانه شامل: روسری، چارقد، کلاه (نقاط ترک نشین)، پیچیه (روبنده)، چادر، کلاغی؛

ب - تن پوش زنانه شامل: کونیک (مناطق ترک نشین)، شلیته، تنبان، چین و پاچین، کت و جلیقه؛

پ - پاپوش زنانه شامل: اُرسی، گیوه، چکمه، گالش و دمپایی روبسته؛

ت - سرپوش مردانه شامل: کلاه نمدی، کلاه عرقچین، کلاه کاموایی، کلاه حصیری، آفتابگردان، کلاه پشمی (کلاه گوشی)؛

ث - تن پوش مردانه شامل: پیراهن (کونیک)، پیراهن سرداری، کولچه، پوستین، جلیزقه (جلیقه)، شال و مچ پیچ و کینک

(لباس چوپانان)؛

ج - پاپوش مردانه شامل: جوراب پشمی، گیوه، گالش، کفش چرمی، بوتین چرمی، چکمه‌های لاستیکی و چارق.



شکل ۹-۳- پوشش سنتی زنان و مردان - موزه چهارفصل اراک



فعالیت ۳-۷ ✓

– آیا در محل زندگی شما مردم پوشش محلی خاصی دارند؟ در مورد نوع پوشش محل زندگی خود تصاویری تهیه کنید و به کلاس درس ارائه دهید.

هنرهای دستی استان

استان مرکزی مهد پرورش هنرهایی است که نشانگر فرهنگ غنی این مردم بوده و به دلیل آن که تبلور عینی فرهنگ اصیل، بومی، مردمی و معنوی کشورمان است، همواره معرف خصوصیات بارز و شاخص هنر و تمدن این مرز و بوم چه در داخل و چه در خارج از کشور بوده است. امروزه نیز در این استان هنرمندان و صنعتگرانی وجود دارند که همچون گذشتگان خویش بی ادعا در پی تعالی هنر خویش اند.



شکل ۳-۱۰ – فرش‌های دست بافت جیریا و ساروق

از گذشته‌های دور، استان مرکزی به‌عنوان یکی از مراکز صنعتی و قطب‌های مهم در صنایع دستی به‌همگان شناسانده شده است. فرش دستباف استان مرکزی با نام تجاری فرش ساروق و جیریا در جهان مشهور شده است و کمتر موزه‌ای است که مزین به آثار هنرمندان و صنعتگران فرشباف استان نباشد. گلیم استان به‌خصوص گلیم ساوه از دوران صفوی با سابقه درخشان تولید شده و در حال حاضر گلیم گل برجسته استان در کشور پرآوازه است.

ویژگی‌های فرهنگی استان



شکل ۱۲-۳- منبت کاری در سقاور کمیجان



شکل ۱۱-۳- گیوه بافی در سنجان

مسگری نیز در اراک و تفرش سابقه‌ای دیرینه دارد. از دیگر رشته‌های صنایع دستی در استان که قابلیت‌ها و زمینه‌های رشد و فعالیت زیادی دارند، می‌توان از طراحی و نقشه‌کشی فرش، رفوگری، رنگری سنتی، جاجیم بافی، هنرهای چوبی شامل: منبت کاری و کنده‌کاری روی چوب، معرق، محرق (با ساقه‌گندم)، پیکرتراشی، نازک کاری چوب، مشبک، ساخت سازه‌های سنتی و خراطی، صنایع فلزی شامل: قلمزنی روی مس، مسگری، سفیدگری، چلنگری، علامت‌سازی و دیگر رشته‌ها: آینه کاری، گچبری سنتی، سوزن‌دوزی و رسته‌های وابسته به آن، گیوه‌بافی و گیوه‌دوزی (در وفس و سنجان) البته محلی، سرامیک سفالگری و مجسمه‌سازی، صنایع دستی تکمیلی و تلفیقی، بامبو بافی، تراش سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، تذهیب و نگارگری، بافتنی‌های سنتی، عروسک‌های محلی و ... که بالغ بر ۶۶ رشته می‌باشند، نام برد. هنر خوش‌نویسی نیز جایگاه ویژه‌ای در استان دارد و استاد فتحعلی واشقانی فراهانی از خوش‌نویسان مشهور و از چهره‌های ملی است.



شکل ۱۴-۳- گچ‌بری از صنایع دستی استان



شکل ۱۳-۳- تصویر استاد واشقانی